

رابت وانوی، خروج تا تبعید، درس 9 ب

پادشاهی در داوران، 1 و 2 سموئیل

الهیات داوران

همانطور که درست قبل از استراحت اشاره کردم، می‌خواهم توجه شما را به دیدگاه داوران درباره پادشاهی بخش دیگری از آن جزوه در مورد الهیات داوران جلب کنم. این در صفحه 835، تا پاراگراف سوم است. سوالی که در داستان‌ها و نظراتی که در خود کتاب Israel که در آنجا مورد بحث قرار می‌گیرد، نگرش به پادشاهی است در ذهن هر کسی که این مطالب را گردآوری کرده، چیز Israel داوران می‌یابیم، منعکس شده است. آیا پادشاهی خوبی است یا بد؟ و متوجه می‌شوید که پاراگراف سوم با این جمله شروع می‌شود: «علیرغم این پیشنهاد قوی در اواخر کتاب [که در آن روزگار که پادشاهی در اسرائیل نبود، هر کس آنچه را که از نظر خودش درست بود انجام می‌داد]، این نشان دهنده نگرش نسبتاً مثبتی به پادشاهی است.» به عبارت دیگر، وقتی پادشاهی از راه می‌رسد، نظم بیشتری برقرار می‌شود. همه فقط هر کاری را که می‌خواستند انجام نمی‌دادند.» بنابراین، علیرغم این پیشنهاد قوی در پایان کتاب داوران، فقدان یک پادشاه انسانی به ظهور شرایط هرج و مرج در دوره داوران کمک کرده است، بنابراین نشان می‌دهد که پادشاهی مطلوب است. برخی از مفسران استدلال کرده‌اند که این کتاب را باید در کل به عنوان کتابی ضد سلطنت در نظر گرفت.» این موضوعی است که به اول سموئیل می‌رسد، جایی که این سوال مطرح می‌شود: آیا پادشاهی چیز خوبی است یا چیز بدی؟

اساس این دیدگاه در امتناع جدعون از پیشنهاد پادشاهی از یک سو و تأیید مثبت او بر پادشاهی یهوه از « سوی دیگر در داوران ۸:۲۲ و ۸:۲۳ [که به آن نگاه کردیم]، همراه با توسل به روایت فاجعه‌بار پادشاهی با ابیملک در فصل ۹ یافت می‌شود.» یادتان هست که اشاره کردم پادشاهی ابیملک با نابودی شکیم به پایان رسید؟ در واقع، برخی از مفسران معتقدند تنشی که بین دیدگاه مثبت پادشاهی در فصل‌های ۱۷-۲۱ در بخش پایانی [در « اسرائیل پادشاهی نبود و هر کس آنچه را که از نظر خودش درست بود انجام می‌داد [و دیدگاه ظاهراً منفی پادشاهی که در فصل‌های ۸ و ۹ می‌یابیم، وجود دارد، آنقدر اساسی است که این نگرش متضاد را تنها می‌توان با فرض لایه‌های مختلف متن توضیح داد.» این به آن نوع تحلیل تنش‌ها و منابع اساسی برمی‌گردد. «به جز این راحل، دیگر مفسران استدلال کرده‌اند که اظهارات مربوط به اینکه هیچ پادشاهی وجود ندارد و هر کسی هر کاری که صلاح می‌داند انجام می‌دهد، به نوعی باید در جهت مثبت به آنچه در جریان بود نگرسته شود و با دیدگاه کلی منفی کتاب در مورد پادشاهی سازگار است.» فکر می‌کنم بحث در مورد این موضوع دشوار است.

اما پاراگراف بعدی بخشی از آنچه را که فکر می‌کنم در اینجا در جریان است، ارائه می‌دهد.» بخش زیادی از این بحث، نکته‌ی مهمی را از قلم می‌اندازد. فصل‌های ۸ و ۹ کتاب داوران اساساً با پادشاهی مخالف مشکل [کتاب مقدس Israel] نیستند، و فصل‌های ۱۷ تا ۲۱ نمی‌گویند که پادشاهی انسان به خودی خود راه حل است.» به عبارت دیگر، به نظر من یک تضاد کاذب در اینجا ساخته شده است.» آیات ۲۲-۸:۲۳ داوران نمی‌گوید

که پادشاهی انسان اشتباه است، اما به شدت بر اهمیت به رسمیت شناختن پادشاهی یهوه تأکید می‌کند. در متن، ترکیبی از انکار پادشاهی یهوه با پیشنهاد پادشاهی انسان به جدعون بود که جدعون را ملزم به پاسخی مشابه کرد. بنی اسرائیل می‌گویند: «بر ما حکومت کن، زیرا تو ما را از دست مدیان نجات داده‌ای» (آیات ۲۲: ۸ داوران (این ارزیابی نادرست از اینکه چه کسی مسئول پیروزی اسرائیل بر مدیانیان بوده است، در تضاد مستقیم با فراخوان جدعون برای اقدام قبل از نبرد است، جایی که می‌گوید: «خداوند اردوگاه مدیانیان را به دست شما می‌دهد» و همچنین این گفته یهوه که اسرائیل نباید به این ببالد که قدرت خودش او را نجات داده است) [۷: ۲]. (مسئله از نظر من این است) [در این زمینه، جدعون نمی‌توانست کاری جز رد پیشنهاد و در عین حال، به طور قطع، تأیید نجات‌دهنده‌ی اوست و Israel حکومت مداوم یهوه بر قومش، همانطور که هر برانت اشاره می‌کند، انجام دهد. یهوه این نباید فراموش شود. پادشاهی هر زمان که نقش یهوه را در این زمینه غصب کند، اشتباه است «به عبارت خود اشتباه نیست؛ بلکه زمانی اشتباه است که جایگزین حکومت یهوه شود Israel دیگر، پادشاهی

داستان ابیملک، اگرچه در ارزیابی خود از حکومت انتصابی شکیم توسط یکی از پسران جدعون، «قاطعانه منفی است، اما به خودی خود محکوم کردن پادشاهی نیست، بلکه نقدی بر پادشاهی است که مبتنی بر جرم و بی‌عدالتی است [که همان «حکومت «ابیملک بود [و از نوع پادشاهی موجود در دولت-شهرهای کنعانی آن زمان الگوبرداری شده است. دیدگاه متعادل‌تری در مورد دیدگاهی که کتاب داوران به پرسش شایستگی‌های نسبی نقش داوران و پادشاهان ارائه می‌دهد، این است که هیچ یک از این دو نهاد، راه حل نهایی مشکلات اسرائیل به عنوان یک ملت نیست. از برخی جهات، پادشاهی که به درستی درک و اعمال شود، با Israel ارائه اقتدار حکومت مرکزی در حاکمیت مرئی برای هدایت مردم گناهکار در مسیر عهد، هر ج و مرج دوره «داوران را اصلاح می‌کند. اما پادشاهی نیز در معرض کاستی‌ها و شکست‌های هر نهاد انسانی است

با این وجود، پادشاهی که با عهد ادغام شده است - این مفهومی از پادشاهی است که همچنان حاکمیت نهایی یهوه بر قوم خود را تأیید می‌کند - در هیچ کجای کتاب داوران مورد انتقاد قرار نگرفته است. به نظر من این موضوع وقتی به کتاب سموئیل می‌رسیم، زمانی که پادشاهی واقعاً برقرار می‌شود، به یک مسئله تبدیل می‌شود. پادشاهی در آنجا با عهد برقرار می‌شود و همچنان حاکمیت نهایی و پادشاهی یهوه را به رسمیت می‌شناسد و نه به عنوان جایگزینی برای او». عهد عتیق در مهم دانستن نهادها در هر دو کتاب داوران و پادشاهان در برنامه الهی رستگاری، کاملاً ثابت قدم است. در واقع، همین شکست داوران است که به نیاز به داوری که قرار است بیاید اشاره می‌کند. دوم تیموتائوس ۴: ۸ از خداوند به عنوان یک داور عادل در نهایت، داور نهایی، سخن می‌گوید - همانطور که شکست پادشاهان اسرائیل و یهودا است که به نیاز به آمدن پادشاه بزرگ اشاره می‌کند (یوحنا ۱: ۴۹، مکاشفه ۱۹: ۱۶). (این نظرات در این مرحله ما را برای همان مسئله‌ای آماده می‌کند که وقتی به اول سموئیل ۸-۱۲ می‌رسیم، جایی که پادشاهی در واقع برقرار می‌شود، دوباره ظاهر خواهد شد

من در طرح کلی شما چیزی در مورد کتاب روت ندارم، که در کتاب مقدس ما بین داوران و سموئیل روت قرار دارد. می‌خواهم فقط یک نظر مختصر در مورد روت بدهم. فکر می‌کنم شما می‌توانید بگویید که چند هدف برای کتاب روت وجود دارد. این کتاب تصویر متفاوتی از اتفاقاتی که در این دوره تاریک داوران رخ می‌داد، به ما می‌دهد، زمانی که هرج و مرج و زوال مذهبی و اخلاقی زیادی وجود داشت. این داستانی است که در آن زمان اتفاق می‌افتد. به روت ۱:۱ توجه کنید: «در روزهایی که داوران حکومت می‌کردند، قحطی در آن سرزمین رخ نام آن مرد الیمک و نام Moab داد. مردی از بیت‌لحم یهودا به همراه همسر و پسرانش برای زندگی به آنجا رفتند جایی رفتند که الیمک در آنجا درگذشت. دو Moab به Israel همسرش نعومی بود.» آنها از آنجا خارج شدند و پسر او با زنان موآبی، یکی به نام عرفه و دیگری به نام روت، ازدواج کردند. سپس دو پسرش می‌میرند و او روت، عروسش، نیز با او Bethlehem بدون پسران و شوهرش می‌ماند. او تصمیم می‌گیرد به آنجا برگردد. می‌رود. روت در نهایت با بوعز ازدواج می‌کند.

من به آن داستان نمی‌پردازم. اما چیزی که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم، پایان کتاب است که در زنانی که آنجا زندگی می‌کردند: «آن شجرنامه داوود را دارید. اگر به آیه ۱۷ از فصل ۴ نگاه کنید، می‌خوانید گفتند: نعومی پسری دارد! و او را عوبید نامیدند. او پدر یسی، پدر داوود بود. پس، تبارنامه فارص این است: فارص پدر حصرون، حصرون پدر رام، رام پدر عمیناداب، عمیناداب پدر نحشون، نحشون پدر سلمون، سلمون پدر بوعز، بوعز پدر عوبید، عوبید پدر یسی و یسی پدر داوود بود.»

بنابراین در انتهای کتاب روت، شجرنامه‌ای دارید که تبار داوود را به عقب ردیابی می‌کند و در آن تبار متوجه می‌شوید که روت در بالای آن خط قرار دارد. به پایین می‌روید: پدر بزرگ، پدر، و سپس به جسی، پدر داوود. این در متن این جریان تاریخ رستگاری، که در نهایت نسل زنی است که مسیح در نهایت از او خواهد آمد، قابل توجه است. پیوند اصلی در آن وقتی به متی ۱:۱ می‌رسیم، این است: «عیسی مسیح پسر ابراهیم، پسر داوود.» بنابراین با قرار دادن در داستان، در اینجا بخشی از آن خط نسل موعود را داریم که از بوعز و روت به داوود می‌رسد.

بیابید به اول و دوم سموئیل برویم. این عدد رومی پنجم ۱ و دوم سموئیل الف. نظرات عمومی ۱. نام(ها) پنجم، اول و دوم سموئیل است. الف. نظرات عمومی «است. اول». نام «است. این نام از سموئیل گرفته شده است که چهره‌ای برجسته در بخش اول این کتاب است. این کتاب طولانی با ۵۵ فصل است - ۳۱ فصل در اول سموئیل و ۲۴ فصل در دوم سموئیل. بنابراین مطالب زیادی در آن وجود دارد. سموئیل وسیله خدا بود که برای دو پادشاه اول فرستاده شد. من فکر می‌کنم اغلب این تصور اشتباه وجود دارد که David, Israel مسح شائول و سموئیل نویسنده اول و دوم سموئیل است. او به وضوح نویسنده نیست زیرا گزارش مرگ او در اول سموئیل آمده است. بنابراین شما خیلی وارد کتاب نشده‌اید، قبل از اینکه سموئیل از دنیا برود. او هم شائول و هم ۲۵:۱

داوود را مسح می‌کند، اما در بیشتر دوران زندگی داوود حضور ندارد و بیشتر از شائل زنده نمی‌ماند.

با این حال، من فکر می‌کنم احتمالاً نویسنده هر کسی که بوده - و نویسنده ناشناس است، ما نمی‌دانیم چه کسی بوده است - احتمالاً از مطالب سموئیل و همچنین ناتان و جاد استفاده کرده است. اگر به اول تواریخ ۲۹:۲۹ وقایع سلطنت «نگاه کنید، اشاره صریحی به سموئیل، ناتان و جاد وجود دارد. از زبان وقایع‌نگار می‌خوانید: «داوود پادشاه، از ابتدا تا انتها، در تواریخ سموئیل رئی، تواریخ ناتان نبی و تواریخ جاد رئی نوشته شده است بنابراین ناتان و جاد پیامبرانی بودند که در مقاطع مختلف به داوود تذکر می‌دادند. سموئیل کسی بود که داوود را مسح کرد. همه آنها سوابق را نگه می‌داشتند و چیزهایی را می‌نوشتند. این سوابق در زمانی که وقایع‌نگار می‌نوشت، در دسترس او بودند و او به آنها اشاره می‌کند.

سموئیل در اصل یک واحد واحد بود - یک کتاب، نه دو کتاب. تقسیم به دو بخش توسط مترجمان سپتواجینت انجام شد. محل مناسب برای تقسیم‌بندی، مرگ شائل است که اکنون در آخرین فصل اول سموئیل، فصل ۳۱، اتفاق می‌افتد. این مناسب است زیرا یوشع با مرگ یوشع، تثبیه با مرگ موسی و در اینجا اول سموئیل با مرگ شائل به پایان می‌رسد.

عنوان این کتاب متفاوت بوده است، و در ترجمه هفتادگانی به عنوان «کتاب‌های اول و دوم پادشاهی‌ها» تعیین شده است. وقتی به ولگات می‌رسید، به اول و دوم پادشاهان تغییر می‌کند. و فکر می‌کنم این نکته ارزش توجه دارد. یک سنت طولانی در مطالعات کتاب مقدس کاتولیک رومی در سنت پیروی از ولگات وجود دارد که تفسیرهایی بر اول پادشاهان، دوم پادشاهان، سوم پادشاهان می‌نویسند. پادشاهان، و ۴ پادشاه، زیرا آنچه ما در سنت ولگات به آن ۱ و ۲ سموئیل می‌گوییم، ۱ و ۲ پادشاه است، و برای ما ۱ و ۲ پادشاه همان چیزی است که ولگات به آن ۳ و ۴ پادشاه می‌گوید. بنابراین هنوز هم با تفاسیری روبرو خواهید شد که پس از این عناوین آمده‌اند. ممکن است وقتی در کتابخانه هستید و «۳ و ۴ پادشاه» را می‌خوانید، در مورد آن کنجکاو شوید. آن چیست؟ ۳ و ۴ پادشاه همان چیزی است که ما ۱ و ۲ پادشاه می‌نامیم، زیرا سموئیل ۱ و ۲ پادشاه نامیده می‌شد. بنابراین اینها توضیحات مربوط به نام آن هستند.

۲. بررسی مختصری از محتوا و اهمیت آن: پادشاهی و عهد.

بررسی مختصری از محتوا و اهمیت آن «است. کتاب سموئیل با پایان دوره داوران آغاز می‌شود.». ۲. سموئیل خود یک داور بود، آخرین نفر از داوران. کتاب کمی قبل از مرگ داوود به پایان می‌رسد. کتاب‌های اول و دوم سموئیل درباره مرگ داوود چیزی به ما نمی‌گویند. ما در کتاب اول پادشاهان ۱ و ۲، وقتی به سلطنت سلیمان در کتاب اول پادشاهان ۱ و ۲ می‌رسیم، از مرگ داوود مطلع می‌شویم. سموئیل دوره‌ای حدود ۱۳۰ سال را در بر می‌گیرد. این کتاب تاریخ سیاسی دقیقی از آن زمان نیست، اما بیشتر آن مجموعه‌ای از داستان‌های مرتبط

با سه شخصیت اصلی کتاب، یعنی سموئیل، شائول و داوود است.

به نظر من، مضمون اصلی که این روایت‌ها را به هم پیوند می‌دهد، مضمون پادشاهی و عهد است. اما چیزی که وقتی پادشاهی و عهد را به عنوان مضمون در نظر می‌گیرید، این است که پادشاهی مورد درخواست نزد سموئیل می‌آیند و می‌گویند: «به ما Israel مردم، انکار عهد است. این در فصل ۸ است که بزرگان قوم پادشاهی بده.» در فصل ۸ می‌خوانید که این موضوع سموئیل را ناراضی کرد زیرا آنها همچنین گفتند: «ما پادشاهی مانند ملت‌ها می‌خواهیم که بیرون برود و ما را در جنگ رهبری کند و احتمالاً به ما پیروزی بدهد.» بنابراین نوع پادشاهی مورد درخواست مردم و دلیل اینکه چرا آنها یک پادشاه انسانی می‌خواستند، از انکار پادشاهی یهوه ناشی می‌شود. این درخواست، انکار عهد بود. پادشاهی که توسط سموئیل برقرار شد، با عهد سازگار بود. اگر به آن بخش از ۸ تا ۱۲ بیشتر بروید، متوجه می‌شوید که شائول در نهایت در چارچوب مراسم تجدید عهد که در آن وفاداری به یهوه دوباره تأیید می‌شود، به سلطنت می‌رسد. این در اول سموئیل ۱۲ آمده است. بنابراین پادشاهی که توسط سموئیل برقرار شد با عهد سازگار است.

وقتی بیشتر در کتاب فرو می‌روید، متوجه می‌شوید که پادشاهی که توسط شائول اجرا می‌شد، با آرمان عهد مطابقت نداشت. او از گوش دادن به کلام پیامبر خودداری کرد. وقتی سموئیل او را به پاسخگویی فراخواند، از توبه خودداری کرد. و در نهایت خداوند، شائول را به عنوان پادشاه رد کرد و سموئیل را فرستاد تا جایگزینی برای او تعیین کند. سپس متوجه می‌شوید که پادشاهی که توسط داوود اجرا می‌شد، نمایشی ناقص اما واقعی از آرمان پادشاه عهد بود. داوود به عنوان مردی مطابق قلب خدا توصیف شده است. داوود مطمئناً شکست‌های خود را داشت، اما وقتی ناتان او را به پاسخگویی فراخواند، توبه کرد. او هیچ بهانه‌ای نیاورد و سعی نکرد گناه خود را توجیه کند. به نظر من این تفاوت اساسی بین او و شائول است.

بنابراین این چیزی است که وحدت این جریان روایت‌ها را از طریق اول و دوم سموئیل تقسیم ساختار سموئیل می‌کند. به صفحه ۲ آن جزوه نگاه کنید. این کتاب به طور کلی می‌تواند به سه بخش تقسیم شود که حول سه شخصیت اصلی کتاب - سموئیل، شائول و داوود - متمرکز هستند. در اول سموئیل ۱-۱۲، شخصیت اصلی سموئیل است. اگرچه در فصل‌های ۴-۶ سموئیل حضور ندارد، اما در فصل‌های دیگر به شکلی بسیار برجسته حضور دارد. در اول سموئیل ۱۳-۳۱ تمرکز بر شائول است. او در فصل ۱۲ به سلطنت می‌رسد و سلطنت خود را در فصل ۱۳ آغاز می‌کند. از فصل ۱۳ تا پایان، سیر نزولی زندگی شائول را می‌بینید. از بد به بدتر می‌رود و در نهایت به خودکشی ختم می‌شود. شخصیت سوم داوود است که در دوم سموئیل، ۲۴ فصل، به آن اشاره شده است.

در برگه‌تان متوجه خواهید شد که من نظر داده‌ام: در کتاب مقدس عبری، این بخش‌ها به ترتیب ۱۷، ۳۴ و ۴۵ صفحه را اشغال می‌کنند که جالب است. من فکر می‌کنم میزان فضای اختصاص داده شده به هر یک از این

افراد به اهمیتی که می‌توان به آنها نسبت داد، مربوط می‌شود. دیوید با اختلاف بزرگترین است «من فکر می‌کنم که این، به خودی خود، نشانه‌ای از تمایل نویسنده برای برجسته کردن سلطنت داوود است.

ب. پیشرفت‌های مهم در تاریخ رستگاری در اول و دوم سموئیل ۱. سموئیل تحقق موقت وعده خدا به ابراهیم در ب. در جزوه شما و طرح کلی شما این است: «پیشرفت‌های مهم در مورد سرزمین موعود را ثبت می‌کند تاریخ رستگاری در اول و دوم سموئیل. «من سه مورد را در اینجا فهرست کرده‌ام تا توجه شما را به پیشرفت تاریخ رستگاری در اول و دوم سموئیل جلب کنم. مورد اول این است که سموئیل تحقق موقت وعده خدا به ابراهیم در مورد وسعت سرزمین موعود را ثبت می‌کند. آن وعده به ابراهیم یکی از عناصر اصلی عهد خدا با ابراهیم بود. این در پیدایش ۱۵: ۱۸-۲۱ شرح داده شده است - بیایید به آن بپردازیم. خداوند می‌گوید، «این سرزمین را از بنابر این به طور کلی «river» به فرزندان تو می‌دهم Euphrates، تا رودخانه بزرگ Egypt [مرز] این Euphrates... تمام مسیر تا رودخانه شمال شرقی Egypt [مرز] ... [است river تصاحب زمین از Israel وعده در پیدایش ۱۵، در پیدایش ۸: ۱۷، اعداد ۱: ۳۴-۱۲، تثنیه ۷: ۱، ۲۴: ۱۱، یوشع ۴: ۱ و مزور ۵: ۱۰۵ تأیید شده است. به عبارت دیگر، این وعده بارها تکرار شده است.

اردو بزنیید «می‌خواهم توجه شما را به تثنیه ۷: ۱ از میان آن ارجاعات متعدد جلب کنم. در آن آمده است و به سوی کوهستان اموریان پیشروی کنید. به سوی همه اقوام همسایه در عربیه، در کوهستان‌ها، در دامنه‌های اینک، Euphrates تا رود بزرگ، بروید Lebanon غربی، در نقب و در امتداد ساحل، به سرزمین کنعانیان و قلمرو شما از بیابان «یوشع ۴: ۱ توجه کنید Euphrates به اشاره دیگری به «من این سرزمین را به شما داده‌ام بنابراین فکر «غرب گسترش خواهد یافت Great Sea رود بزرگ، فرات - تمام سرزمین هیتی - تا Lebanon تا اما این مرزها در وعده به ابراهیم که Beersheba می‌کنم ما معمولاً آن سرزمین وعده را شامل دان تا ... می‌دانیم توسط موسی، یوشع و این ارجاعات دیگر تکرار شده است، بزرگتر هستند.

حالا فکر می‌کنم آن وعده در ابتدا وقتی یوشع وارد سرزمین شد، محقق شد، اما فقط تا حدی. در داوران ۱ بود. Egypt... Euphrates که تمام مرزهای قبیله‌ای را می‌بینید، به طور کامل دنبال نشد. این شامل مرزهایی از حاکمیت خود را به آن مرزها، چه در داخل علیه فلسطینیان و چه Israel تحقق این امر در زمان داوود رخ داد، که داوود با «در خارج، گسترش داد. فهرست فتوحات داوود را در دوم سموئیل ۸ خواهید یافت. در آیه ۳ می‌خوانید هددعزر پسر رحوب، پادشاه صوبه، جنگید، هنگامی که برای بازگرداندن کنترل خود در امتداد ... رفت داوود هزار ارابه او را به غنیمت گرفت «بنابر این می‌توان در مورد سلیمان گفت که وقتی Euphrates River به اول پادشاهان و انتقال پادشاهی داوود به پسرش سلیمان در اول پادشاهان ۲۱: ۴ می‌رسیم، «سلیمان بر تمام منظور از «نهر» چیست؟ منظور «Egypt پادشاهی‌ها از نهر تا سرزمین فلسطینیان، تا مرز ... حکومت می‌کرد Gaza... به آیه ۲۴ بروید» زیرا او بر تمام ممالک غرب رود، از تفسیح تا Euphrates همان رودخانه ... است.

آن Euphrates حکومت می‌کرد و از هر سو صلح برقرار بود «تفسیح در این نقشه، همین جا روی ... است سرزمینی بود که داوود و سلیمان بر آن تسلط داشتند».

بنابراین فکر می‌کنم وقتی دوم سموئیل ۸ را با آن فهرست فتوحات می‌خوانید، ممکن است گنجاندن آن در کتاب امری نسبتاً پیش پا افتاده به نظر برسد، اما نکته‌ای با اهمیت الهیاتی نیز در آن وجود دارد - و آن این است که سرزمینی را وعده داده بود که از ... تا ... Israel... خدا وفادار است؛ او آنچه را که می‌گوید، انجام خواهد داد. او زمان سموئیل و شائول، این اساساً غیرقابل تصور بود. فلسطینیان به آنها Euphrates در river. Egypt اشغال کند فشار می‌آوردند و اسرائیل تقریباً توسط آنها مغلوب شد، اما به مشیت الهی، ملت‌های بزرگ هلال حاصلخیز - بابل، آشور، هیتی و ایلام - در دوره‌های ضعیفی از تاریخ خود بودند و پادشاهی داوود و سلیمان تا حدی رشد کرد. که خدا قرن‌ها قبل به ابراهیم وعده داده بود.

بنابراین، تا آنجا که به تاریخ رستگاری مترقی مربوط می‌شود، فکر می‌کنم اولین چیزی که می‌بینیم، این تحقق موقت و عده به ابراهیم در مورد گسترش سرزمین موعود است. من گفتم «موقت»، زیرا گفته می‌شود که این وعده، وعده‌ای ابدی است. فکر نمی‌کنم که این کاملاً محقق شده باشد. من به دنبال تحقق آینده آن هستم. وقتی به Euphrates River فتح قلمرو تا ... دشوار است Israel وضعیت سیاسی فعلی نگاه می‌کنید، تصور

برگردیم، جایی که در کتاب‌های اول و دوم سموئیل، پیشرفت تاریخ را می‌بینیم پادشاهی به دوم سموئیل 2. که در آن سابقه تأسیس پادشاهی در اسرائیل و ارتباط مسح با پادشاهی را داریم. در این مورد دو عنصر وجود دارد. البته، پادشاهی یک نهاد بسیار مهم است، اما ارتباط مسح با پادشاهی نیز از اهمیت برخوردار است. در کتاب سموئیل است که عبارت «مسح شده توسط خداوند» به عنوان مترادف با پادشاه استفاده می‌شود. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که متوجه شویم «مسح شده» و «مسیح» ترجمه و آوانگاری یک کلمه عبری هستند: *مشیه* به معنای «مسح شده» است. *کریستوس ترجمه یونانی مشیه* در عهد جدید و ترجمه هفتادگانی است که از عبری به معنای «مسح کردن» می‌آید. این اصطلاح در ترجمه‌های انگلیسی ما به «مسیح» ترجمه می‌شود. بنابراین، معنای جالب زیادی در اصطلاح «مسح شده» وجود دارد.

داستان‌های مربوط به چگونگی مسح شدن داوود و شائول در اول سموئیل ۹:۱۶ و ۱۰:۱ برای شائول و در ۱۶:۱۳ برای داوود آمده است. عنوان «مسح شده توسط خداوند» برای پادشاه در تعدادی از منابعی که من در اول و دوم سموئیل فهرست کرده‌ام، آمده است.

حال تا جایی که به پادشاهی مربوط می‌شود، این پادشاهی به طور ناگهانی و در جریان تاریخ رستگاری پدیدار نمی‌شود. در گفته‌های پیشین کتاب مقدس نیز انتظار پادشاهی وجود دارد. این موضوع اولین بار به در پیدایش ۴۹:۱۰ - بیان شده است. وقتی Judah ... صراحت در پیشگویی یعقوب در شیلوه - حاکمی از قبیله‌ی یعقوب این برکات را به همه پسرانش می‌دهد، در ۴۹:۱۰ می‌گوید: «عصای [نماد سلطنت] از یهودا دور نخواهد

شد، و نه عصای فرمانروایی از میان پاهایش، تا زمانی که به سوی صاحبش بیاید، و اطاعت امت‌ها از آن او Judah خواهد بود «بنابراین، پادشاهی در آن پیشگویی، در برکت یعقوب به ...پیش‌بینی شده است

پادشاهی در پیشگویی بلعام در اعداد ۲۴: ۷-۱۷ بیشتر بسط داده شده است. من توجه شما را به این نکته جلب کردم وقتی که به کتاب اعداد نگاه می‌کردیم. و سپس به تثیبه ۱۷: ۱۴-۲۰ نگاه کنید. آن بخش از تثیبه اغلب قانون پادشاه «نامیده می‌شود، جایی که موسی اصول خاصی را از قبل بیان می‌کند که باید بر رفتار پادشاهان» هنگام تأسیس پادشاهی حاکم باشد. بنابراین تثیبه ۱۷: ۱۴-۲۰ به زمانی نگاه می‌کند که خداوند پس از Israel رسیدن قومش به سرزمین موعود، پادشاهی را بر آنها قرار دهد. بنابراین پادشاهی پیش‌بینی شده است، و من فکر نمی‌کنم که پادشاهی چیزی اساساً اشتباه یا در تضاد با اهداف خدا برای قومش بوده باشد. در واقع، بخشی از هدف او بود. او پادشاه می‌خواست. بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اول سموئیل به ما نشان می‌دهد که چگونه پادشاهی برقرار شد. من فکر می‌کنم این نکته قابل توجه است که این کار به گونه‌ای انجام شد که تداوم عهد را تضمین می‌کرد. بعداً در مورد آن بیشتر صحبت خواهیم کرد. نکته قابل توجه این است که پادشاهی شائول به دلیل رویگردانی او از عهد، شکست خورد.

داوود به جای شائول بر تخت سلطنت قرار می‌گیرد و سپس به او وعده قابل توجهی داده: الف. عهد داوودی می‌شود که سلسله او برای همیشه پایدار خواهد ماند. این در دوم سموئیل ۷: ۱۱-۱۶ و ۲۳: ۱-۵ آمده است. و عده، کل کتاب است. من فکر می‌کنم high point همانطور که در جمله اول پاراگراف بعدی اشاره می‌کنم، این که آن وعده به داوود، می‌توان گفت مهمترین رویداد در پیشرفت تاریخ رستگاری است که در کتاب سموئیل ثبت شده است.

خود جایی فراهم خواهیم کرد Israel قوم بیابید به دوم سموئیل ۱۰: ۷ و آیات بعدی نگاه کنیم «و من برای و آنها را خواهم کاشت تا بتوانند خانه‌ای از آن خود داشته باشند و دیگر مزاحم آنها نشوند. مردم شریر دیگر به آنها من Israel. ظلم نخواهند کرد، همانطور که در ابتدا و از زمانی که رهبرانی بر قوم خود منصوب کردم، کرده‌اند همچنین شما را از همه دشمنان آرام خواهم داد. خداوند به شما اعلام می‌کند که خود خداوند خانه‌ای برای شما بنا حال، در این بخش یک بازی با کلمات وجود دارد. در ابتدای فصل، داوود از خداوند اجازه خواست «و خواهد کرد تا خانه‌ای برای خداوند بسازد و ناتان می‌گوید: «برو و این کار را بکن.» اما سپس او مجبور شد برگردد و آشتی کند زیرا خداوند گفت: «نه، خواست من این نیست که تو این کار را بکنی، بلکه پسرت این کار را خواهد کرد. تو قرار نیست برای من خانه‌ای به معنای معبد بسازی؛ من قرار است برای تو خانه‌ای به معنای یک سلسله بسازم.» هنگامی که روزهای «بنابراین شما این بازی را با کلمه «خانه» به معنای معبد در مقابل سلسله دریافت می‌کنید تو به پایان برسد و با پدرانت آرام بگیری، من نسل تو را که از نسل تو خواهد بود، جانشین تو خواهم کرد و سلطنت او را استوار خواهم ساخت. او کسی است که خانه‌ای برای نام من خواهد ساخت و من تخت سلطنت او را

تا ابد استوار خواهم کرد. من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود. وقتی او گناه کند، او را با عصای انسان‌ها و با تازیانه‌هایی که انسان‌ها به او می‌زنند، مجازات خواهم کرد. اما محبت من هرگز از او گرفته نخواهد شد، همانطور که آن را از شائول که او را از حضور تو دور کردم، گرفتم. خانه و سلطنت تو تا ابد در حضور من «پایدار خواهد ماند. تخت تو تا ابد استوار خواهد ماند»

بنابراین، آن وعده سلسله ابدی، آن عهد با داوود، در مزمور ۸۹ نیز ب. عهد داوودی به صورت بینامتنی ذکر شده است. ببیاید به آن نگاه کنیم، زیرا اینها مهم هستند. اصطلاح «عهد با داوود» در اول سموئیل نیامده است، اما در مزمور ۸۹:۳ می‌خوانید که خداوند می‌گوید: «من با برگزیده‌ام عهد بسته‌ام. برای بندهام داوود قسم خورده‌ام که نسل تو را تا ابد پایدار خواهم ساخت و تخت تو را نسل اندر نسل استوار خواهم ساخت.» این وعده داوودی یا عهد داوودی است. به آیه ۲۰ از مزمور ۸۹ مراجعه کنید: «بندهام داوود را یافتم. او را با روغن مقدس خود مسح کردم.» آیه ۲۸: «محبت خود را تا ابد به او خواهم سپرد و عهد من با او هرگز زایل نخواهد شد. نسل او را تا ابد پایدار خواهم داشت، تخت او را تا زمانی که آسمان‌ها پابرجا هستند. اگر پسرانش شریعت مرا ترک کنند و از فرایض من پیروی نکنند، اگر فرامین مرا نقض کنند و از نگاه داشتن فرامین من کوتاهی کنند، گناه آنها را با عصا مجازات خواهم کرد.» آیه ۳۳: «اما من محبت خود را از او دریغ نخواهم کرد و به وفاداری خود خیانت نخواهم ورزید. عهد خود را نخواهم شکست و آنچه را که لب‌هایم گفته است تغییر نخواهم داد. یک بار برای همیشه، به قدوسیت خود سوگند یاد کردم - و به داوود دروغ نخواهم گفت - که نسل او تا ابد ادامه خواهد یافت و تخت او مانند خورشید در برابر من پایدار خواهد ماند و مانند ماه، شاهد وفادار در آسمان، برای همیشه پایدار خواهد ماند.» بنابراین، اینها کلمات بسیار قدرتمندی هستند که در مورد وعده‌های خداوند به داوود در دوم سموئیل ۷ گفته شده است.

در مورد کل کتاب وجود دارد. خط high point همانطور که در پایین صفحه ۳ نظر می‌دهم، این اکنون باریکتر و تیزتر شده است. نسل زن از نسل داوود خواهد بود. داوود قرار است Judah پیشگویی یعقوب جد پادشاه بزرگ مسیح باشد. این وعده در نهایت همانطور که مزمور ۸۹ توصیف می‌کند، محقق می‌شود. عیسی در متی ۱:۱ به عنوان پسر داوود می‌آید. فرشته جبرئیل به مریم گفت که پسرش بر تخت پدرش داوود خواهد نشست. وقتی به منابع عهد جدید مراجعه می‌کنید، در متی دو مرد نابینا که در کنار جاده نشسته بودند، عیسی را به عنوان پسر داوود خطاب می‌کنند. «ای خداوند، پسر داوود، به ما رحم کن.» خود عیسی به آنها می‌گوید: «من ریشه هستم.» و نسل داوود و ستاره درخشان صبح هستم.

در عین حال، فکر می‌کنم باید توجه کنیم که نه دستاوردها یا ویژگی‌های داوود به عنوان یک رهبر، بلکه اهداف خدا که قرار بود از طریق او محقق شود، بسیار مهم هستند. به همین دلیل، او ایده‌آل‌سازی نشده یا بر روی یک پایه قرار نگرفته است. نقاط ضعف او آشکار است. نویسنده کتاب از گفتن شکست‌هایش به ما دریغ نمی‌کند.

اما با وجود نقاط ضعفش، او هنوز به عنوان مردی مطابق با قلب خود خدا شناخته می‌شود. این عبارتی است که در اول سموئیل ۱۳:۱۴ و ۱۶:۷ استفاده شده و در اعمال رسولان ۱۳:۲۲ نقل شده است. به طور کلی، می‌توان بر او حکومت شود. سلطنت او Israel گفت که داوود در پی حکومت کردن به شیوه‌ای بود که خدا می‌خواست منعکس کننده آرمان پادشاه واقعی عهد بود، نه به طور کامل یا مطلق، بلکه به طور کلی. او تلاش کرد تا سلطنت خود را تحت قدرت شریعت خداوند، تا حد توان قلبش، الگو قرار دهد. سلطنت او در دوم سموئیل ۸:۱۳ به عنوان پادشاهی خلاصه می‌شود که «آنچه را که برای همه مردم عادلانه و درست بود، انجام داد.» «این یک ستایش والا برای سلطنت داوود است. با این حال، حتی با وجود فردی به پارسایی داوود، واضح است که هیچ پادشاه بشری نمی‌توانست آرمان والا را محقق کند. او گناه کرد و از معیار خدا قاصر ماند. به دلیل شناخت این واقعیت، و حتی بیشتر از آن در مورد ساکنان بعدی تخت داوود، می‌توان گفت که داوود معیاری بود که پادشاهان بعدی با آن سنجیده می‌شدند. اغلب در کتاب پادشاهان آمده است:» او در راه پدرش گام برداشت «یا» او در راه داوود گام برداشت. «بیشتر اوقات مورد دوم بود،» او در راه پدرش داوود گام برداشت. «بنابراین در مورد ساکنان بعدی تخت داوود نیز چنین بود، زیرا پادشاهان تمایل داشتند که بیشتر و بیشتر از آرمان عهدی دور شوند.

آن زمان است که امید مسیحایی آینده شروع به ظهور می‌کند. یعنی اینکه در زمانی در آینده پادشاهی بر تخت داوود خواهد نشست که از هر انسان عادی بزرگتر خواهد بود؛ او یک پادشاه الهی خواهد بود. اشعیا ۷:۱۴، باکره‌ای آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او عمانوئیل خواهد بود، خدا با ماست.» و این نشانه‌ای است که در «زمینه شکست یکی از ساکنان تخت داوود، آهاز، داده شده است. آهاز نمی‌خواست به خداوند گوش دهد، نمی‌خواست در راه خداوند گام بردارد، نمی‌خواست امنیت خود را در توکل به خداوند بیابد، بلکه در عوض با بنابراین نماینده‌ای شایسته از خاندان داوود جایگزین آهاز خواهد شد و Assyria اتحاد با... امنیت خود را یافت او عمانوئیل، خدا با ما، نامیده خواهد شد. اشعیا ۹:۶، کودکی متولد خواهد شد که نام‌هایی برای نشان دادن الوهیت دارد: خدای قادر مطلق، پدر جاودان، شاهزاده صلح، حکومت بر دوش او خواهد بود. و افزایش صلح او پایانی نخواهد داشت. او چه خواهد کرد؟» او بر تخت داوود بر قلمرو او سلطنت خواهد کرد و آن را با عدالت و راستی از آن زمان تا ابد برقرار و استوار خواهد داشت. غیرت خداوند متعال این را به انجام خواهد رساند.» کسی که بر تخت داوود خواهد نشست، خدای قادر مطلق، پدر سرمدی و شاهزاده صلح نامیده خواهد شد.

خداوند می‌گوید: ایامی «به ارمیا ۲۳:۵ نگاه کنید، جایی که درباره این پادشاه مسیحایی آینده می‌خوانیم فرا می‌رسد که شاخه‌ای عادل برای داوود برپا خواهد کرد، پادشاهی که با خردمندی سلطنت خواهد کرد و آنچه را در روزگار «اینگونه سلطنت داوود توصیف شده است.» که درست و عادلانه است در زمین انجام خواهد داد در امنیت زندگی خواهند کرد. نامی که او با آن نامیده خواهد شد این است: Israel نجات خواهند یافت و Judah، او این یک پادشاه الهی است که قرار است در آینده بر تخت داوود بنشیند.» خداوند عدالت ما

و این به چیزی Israel در اول و دوم سموئیل، ما گزارشی از تأسیس پادشاهی در [بیت المقدس] داریم

بزرگتر در آینده اشاره دارد: مسیح، پادشاه تمام زمین. بنابراین، پادشاهی و انتظار مسیحایی در آخرالزمان عهد عتیق و جدید محوریت پیدا می‌کند. این یک حقیقت بسیار مهم کتاب مقدس است. ریشه‌های آن در اول و دوم سموئیل یافت می‌شود. همه چیز از آنجا شروع می‌شود، زیرا در آنجا پادشاهی تأسیس می‌شود. در آنجا است که این ایده مسح شدن برای اولین بار شکل می‌گیرد و به چیزی تبدیل می‌شود که در پیشرفت تاریخ رستگاری پس از اول و دوم سموئیل بسیار مهم می‌شود. بنابراین این دومین واقعیت است. در اول سموئیل، در مورد تأسیس پادشاهی در و ارتباط مسح با پادشاهی به ما گفته می‌شود [بیت المقدس] Israel.

نکته سوم: اول و دوم سموئیل به ما می‌گویند که چگونه اورشلیم به مرکز مذهبی و سیاسی تبدیل شد. ۳. دوم سموئیل به ما می‌گویند که چگونه اورشلیم به مرکز مذهبی و سیاسی آن سال‌ها تبدیل شد. در دوم سموئیل آن را پایتخت خود قرار داد، می‌خوانیم. این در دوم سموئیل ۶ آمده Zion درباره فتح شهر بیوس توسط داوود که است. در فصل ۶ می‌خوانید که او تابوت را به آن شهر می‌آورد و آن را به مرکز مذهبی ملت تبدیل می‌کند و به طور ضمنی نشان می‌دهد که یهوه را به عنوان حاکم عالی سرزمین به رسمیت می‌شناسد. تابوت عهد، به عنوان یهوه Ark تخت سلطنت یهوه توصیف شده است. یهوه در میان کروبیان بر تخت نشسته است. بنابراین گویی از آن به نظر من اولین اقدام داوود پس از فتح، آوردن Israel نامرئی، سلطه و حکومت خود را بر مردم اعمال می‌کند به آن شهر است. به طور نمادین، این می‌گوید: «من حاکم شما نیستم، یهوه Ark آوردن آن Jerusalem یا Zion هم مرکز مذهبی و هم Jerusalem، از دوم سموئیل ۶ به بعد Ark. است.» او در میان کروبیان بر تخت می‌نشیند و از آن روز تا به امروز نیز چنین بوده است. همانطور که در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ دیده Israel مرکز سیاسی می‌شود می‌شود، این موضوع همچنان در اهداف الهی در آینده از نظر فرجام‌شناسی مهم خواهد بود. بنابراین این نکته مهم دیگری است که در اول و دوم سموئیل اتفاق افتاده است. وقتی امروز روزنامه را برمی‌دارید، داستان‌هایی در می‌شنوید که همه چیز از اول و دوم سموئیل شروع شده است. خدا از این سایت برای تعیین Jerusalem... مورد اهداف خود در تاریخ استفاده کرده است. سوالی یا نظری دارید؟

فکر می‌کنم بهتر است اینجا در ج، «زندگی ج. زندگی سموئیل ۵. برقراری پادشاهی و تداوم عهد سموئیل» توقف کنم. می‌خواهم چند نظر در مورد زندگی سموئیل بدهم، اما سپس هفته آینده بخش زیادی از وقتان را روی حرف پنجم ج، «برقراری پادشاهی و تداوم عهد» و برخی از مسائل مرتبط با آن تمرکز کنیم. این موضوع بازسازی تنوکرایی و ادغام پادشاهی در ساختار تنوکرایی، چیزی است که اهمیت بسیار زیادی دارد. بنابراین کمی روی آن وقت می‌گذاریم و بعد احتمالاً جلسه را با چند نظر در مورد ۱ و ۲ پادشاه در صفحه آخر به پایان می‌رسانم. هفته آینده آخرین جلسه ماست، بنابراین هفته آینده آن را جمع‌بندی می‌کنیم.

من فکر می‌کنم در زمان مسیح سردرگمی وجود داشت، زیرا انتظار می‌رفت که مسیح بیاید، رومیان را

بیرون کند و بر زمین حکومت کند. چرا؟ این ایده بر اساس پیشگویی‌های خاصی بنا شده بود. چیزی که درک نمی‌شد این بود که مسیح قرار است دو بار بیاید. بار اول، او قرار بود به شکل بنده رنج‌کشیده، شخصیتی در پیشگویی دیگری از عهد عتیق، بیاید تا کفاره گناهان را بدهد. بار دوم، او با قدرت خواهد آمد - و این موضوع در آن زمان توسط بسیاری از مردم به وضوح حل و فصل یا درک نشده بود.

رونویسی شده توسط سارا هاوکینز
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط کیتی الز
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت